

کنسرت‌ها و محصولات صوتی مان به شما تحویل دادیم در محافل خصوصی خودمان مصرف‌کننده‌هاش نبودیم و بابت این تجویز بی‌دلیل و به رخ کشیدن هنر خاصی که فقط خودمان می‌فهمیدیم باید از مردم عذرخواهی کنیم.

مردم ما نیاز به موسیقی‌های ایرانی ناب و روان دارند و به همین دلیل است که هنوز آثار دوران‌های گذشته موسیقی ما مافوق‌درد و لی از مجموعه تولیدات چهل سال موسیقی در واحد موسیقی رادیو با سرودن شعر روی آنها تبدیل به ترانه و تصنیف کردم، روی بحث طنزخوانی در موسیقی اصیل ایرانی متمرکز شدم و بالغ بر ۳۰۰ اثر طنز در تاریخ موسیقی ایران جمع‌آوری کردم.

طنزخوانی در موسیقی اصیل ایرانی و تاثیر اجتماعی آن با شماره ثبت ۲۰۲۲ به تاریخ شانزدهم دی ماه سال جاری در فهرست معرف میراث فرهنگی ناملموس ملی ایران ثبت شد و امیدوارم در اولین امکان اجرای صحنه‌ای بعد از این دوران سخت که همه منتظر لطف خداوند برای رفع بلا هستیم بتوانم برای همه ایران و ایرانی‌ها هر جا که هستند نمونه‌های هنر طنزخوانی با موسیقی اصیل ایرانی را اجرا کنم و بتوانم این هنر برای جامعه ایرانی زنده و پویا حفظ کنم.

به‌عنوان یک موسیقیدان که گنجینه عظیمی از آثار آرشیبوی را تجزیه و تحلیل نموده‌ام به جرئت به مردم می‌گویم آنچه ما در صحنه کنسرت‌ها و محصولات صوتی مان به شما تحویل دادیم در محافل خصوصی خودمان مصرف‌کننده‌هاش نبودیم و بابت این تجویز بی‌دلیل و به رخ کشیدن هنر خاصی که فقط خودمان می‌فهمیدیم باید از مردم عذرخواهی کنیم.

مردم ما نیاز به موسیقی‌های ایرانی ناب و روان دارند و به همین دلیل است که هنوز آثار دوران‌های گذشته موسیقی ما مافوق‌درد و لی از مجموعه تولیدات چهل سال موسیقی در واحد موسیقی رادیو با سرودن شعر روی آنها تبدیل به ترانه و تصنیف کردم، روی بحث طنزخوانی در موسیقی اصیل ایرانی متمرکز شدم و بالغ بر ۳۰۰ اثر طنز در تاریخ موسیقی ایران جمع‌آوری کردم.

به‌عنوان یک موسیقیدان که گنجینه عظیمی از آثار آرشیبوی را تجزیه و تحلیل نموده‌ام به جرئت به مردم می‌گویم آنچه ما در صحنه کنسرت‌ها و محصولات صوتی مان به شما تحویل دادیم در محافل خصوصی خودمان مصرف‌کننده‌هاش نبودیم و بابت این تجویز بی‌دلیل و به رخ کشیدن هنر خاصی که فقط خودمان می‌فهمیدیم باید از مردم عذرخواهی کنیم.

مردم ما نیاز به موسیقی‌های ایرانی ناب و روان دارند و به همین دلیل است که هنوز آثار دوران‌های گذشته موسیقی ما مافوق‌درد و لی از مجموعه تولیدات چهل سال موسیقی در واحد موسیقی رادیو با سرودن شعر روی آنها تبدیل به ترانه و تصنیف کردم، روی بحث طنزخوانی در موسیقی اصیل ایرانی متمرکز شدم و بالغ بر ۳۰۰ اثر طنز در تاریخ موسیقی ایران جمع‌آوری کردم.

مردم ما نیاز به موسیقی‌های ایرانی ناب و روان دارند و به همین دلیل است که هنوز آثار دوران‌های گذشته موسیقی ما مافوق‌درد و لی از مجموعه تولیدات چهل سال موسیقی در واحد موسیقی رادیو با سرودن شعر روی آنها تبدیل به ترانه و تصنیف کردم، روی بحث طنزخوانی در موسیقی اصیل ایرانی متمرکز شدم و بالغ بر ۳۰۰ اثر طنز در تاریخ موسیقی ایران جمع‌آوری کردم.

به‌عنوان یک موسیقیدان که گنجینه عظیمی از آثار آرشیبوی را تجزیه و تحلیل نموده‌ام به جرئت به مردم می‌گویم آنچه ما در صحنه کنسرت‌ها و محصولات صوتی مان به شما تحویل دادیم در محافل خصوصی خودمان مصرف‌کننده‌هاش نبودیم و بابت این تجویز بی‌دلیل و به رخ کشیدن هنر خاصی که فقط خودمان می‌فهمیدیم باید از مردم عذرخواهی کنیم.

مردم ما نیاز به موسیقی‌های ایرانی ناب و روان دارند و به همین دلیل است که هنوز آثار دوران‌های گذشته موسیقی ما مافوق‌درد و لی از مجموعه تولیدات چهل سال موسیقی در واحد موسیقی رادیو با سرودن شعر روی آنها تبدیل به ترانه و تصنیف کردم، روی بحث طنزخوانی در موسیقی اصیل ایرانی متمرکز شدم و بالغ بر ۳۰۰ اثر طنز در تاریخ موسیقی ایران جمع‌آوری کردم.

به‌عنوان یک موسیقیدان که گنجینه عظیمی از آثار آرشیبوی را تجزیه و تحلیل نموده‌ام به جرئت به مردم می‌گویم آنچه ما در صحنه کنسرت‌ها و محصولات صوتی مان به شما تحویل دادیم در محافل خصوصی خودمان مصرف‌کننده‌هاش نبودیم و بابت این تجویز بی‌دلیل و به رخ کشیدن هنر خاصی که فقط خودمان می‌فهمیدیم باید از مردم عذرخواهی کنیم.

مردم ما نیاز به موسیقی‌های ایرانی ناب و روان دارند و به همین دلیل است که هنوز آثار دوران‌های گذشته موسیقی ما مافوق‌درد و لی از مجموعه تولیدات چهل سال موسیقی در واحد موسیقی رادیو با سرودن شعر روی آنها تبدیل به ترانه و تصنیف کردم، روی بحث طنزخوانی در موسیقی اصیل ایرانی متمرکز شدم و بالغ بر ۳۰۰ اثر طنز در تاریخ موسیقی ایران جمع‌آوری کردم.

به‌عنوان یک موسیقیدان که گنجینه عظیمی از آثار آرشیبوی را تجزیه و تحلیل نموده‌ام به جرئت به مردم می‌گویم آنچه ما در صحنه کنسرت‌ها و محصولات صوتی مان به شما تحویل دادیم در محافل خصوصی خودمان مصرف‌کننده‌هاش نبودیم و بابت این تجویز بی‌دلیل و به رخ کشیدن هنر خاصی که فقط خودمان می‌فهمیدیم باید از مردم عذرخواهی کنیم.

مردم ما نیاز به موسیقی‌های ایرانی ناب و روان دارند و به همین دلیل است که هنوز آثار دوران‌های گذشته موسیقی ما مافوق‌درد و لی از مجموعه تولیدات چهل سال موسیقی در واحد موسیقی رادیو با سرودن شعر روی آنها تبدیل به ترانه و تصنیف کردم، روی بحث طنزخوانی در موسیقی اصیل ایرانی متمرکز شدم و بالغ بر ۳۰۰ اثر طنز در تاریخ موسیقی ایران جمع‌آوری کردم.

## ثبت ملی «طنز خوانی با موسیقی ایرانی» بعد از بیست سال

یکی از پژوهشگران و نوازندگان موسیقی ایرانی از ثبت ملی «طنزخوانی با موسیقی اصیل ایرانی در فهرست میراث فرهنگی ناملموس» بعد از بیست سال پیگیری آن خبر داد.



**مردم ما نیاز به موسیقی‌های ایرانی ناب و روان دارند و به همین دلیل است که هنوز آثار دوران‌های گذشته موسیقی ما طرفدار دارد ولی از مجموعه تولیدات چهل سال موسیقی در واحد موسیقی رادیو و تلویزیون و حتی شرکت‌های تولید موسیقی و نیز آثار خود ما موسیقیدانان، کمتر از ۱۰ درصد امکان بازپخش و مقبولیت عام دارند و اگر امروز موسیقی اصیل ایرانی اقتصادی متزلزل دارد مقصر ما هنرمندان هستیم که برای مهم جلوه دادن و پرستیژی‌های روشنفکر مآبانه آثاری ساختیم که کسی آنها را دوست ندارد.**

طنز اجتماعی خوب ساخته می‌شود که همگی مبتنی بر موسیقی اصیل ایرانی ناب بودند و اشعار عامیانه و اجتماعی خوبی داشتند که بزرگان همچون جواد بدیع زاده - اسماعیل مهر ناس - ابوالحسن صبا - پرویز خنطی - غلامرضا روحانی - تورالله همایون و... بسیاری دیگر در این مسیر تلاش کردند و علاوه بر خلق آثار کلاسیک و ناب در موسیقی ایران که هنوز هم لنگه‌های ندارد! آثاری برای طنز اجتماعی ساختند که هم مفرح بود هم انتقال فرهنگی داشت و مهم تر اینکه از مخاطب چه خواست و چه عام دلبری می‌کرد.

این کمرنگ شدن موسیقی ایرانی را به گردن واقعه انقلاب فرهنگی و انقلاب ۵۷ گذاشتیم در حالی که خود ما موسیقیدانان توان تفسیر موسیقی درست را برای مجریان فرهنگی بیست و هشت ساله باور کنیم وظیفه ما طرب است و باید برای خلق لحظات شاد احساسی برای مردممان تلاش کنیم.

نسل دوم بر اثر تحولات اجتماعی شبه مدرن شایع شده بود هرگز ریتمی به هنر اصیل طنز خوانی فاخر و اصیل موسیقی ایرانی نداشت.

این نوع نگاه به طنز عامیانه یکی از اصلی ترین لایه‌های تبادل فرهنگی بین مردم و هنر اصیل بود که از دوره‌های حوالی ۱۳۳۰ با شیوع جریان‌های کاذب روشنفکری هنرمندان کلاسیک ما با آلوده شدن به عصر ریا در بیان و اجرا خود را برای ارائه این گونه آثار بیش از اندازه متشنص می‌دیدند و نوعی از موسیقی را به مردم نشان دادند که همین نمایش دوگانه کم‌کم آغاز مراحل تحلیل رژیم شنوایی تان آن متلک‌ها به جاهای باریک نکشد.

دلفک بازی هنرمند یا مجری همه می‌خندیدیم و قهقهه می‌زدیم و به مرور که پرستیژی‌های روشنفکری نمود یافت خیلی‌ها قهقهه‌ها را قورت دادند و به لبخندی بسنده کردند که از این جای تاریخ ما کم‌کم عادت کردیم راحت گریه کنیم و سخت بخندیم خندانان هنر خاصی است که هم در فرهنگ ما و هم در فرهنگ‌های دیگر در طول تاریخ شاهد ظهور چهره‌های خاصی بوده‌ایم یعنی چه به شخصیت چارلی چاپلین برگردیم که با یک حرکت ناشیانه مخاطب را می‌خنداند و چه به شخصیت بهلول برگردیم که با یک مثل و مثل و یا حاضر جوابی جمع را می‌خنداند، همه و همه شاخه‌هایی از هنر طنز و کمیک اجرای صحنه‌ای هستند که گاهی با بازی و گاهی با گویش و در نوع هنرمندانه آن با خناوش همراه می‌شوند.

در ایران از گذشته که ما مردمان ساده‌زیست بودیم با کوچک‌ترین دلفک بازی هنرمند یا مجری همه می‌خندیدیم و قهقهه می‌زدیم و به مرور که پرستیژی‌های روشنفکری نمود یافت خیلی‌ها قهقهه‌ها را قورت دادند و به لبخندی بسنده کردند که از این جای تاریخ ما کم‌کم عادت کردیم راحت گریه کنیم و سخت بخندیم.

خندیدن و خندانان مردم در همه جای دنیا از سنتی تا مدرن یک هنر و تخصص است و مجری آن اگر موفق باشد هم نام به دست می‌آورد هم مال.

گرچه در تاریخ ادبیات ما ایرانیان شعر طنز و طنز قلم بسیار کهن است ولی از حدود ۱۵۰ سال پیش که می‌توان به سنت شفاهی آثار موسیقی دار و ریتم محور موجود در اسناد مکتوب و مضبوط اشاره کرد همیشه از میان پرده‌های نمایشی طنز تا ترانه‌های طنز در عامیانه‌ترین سطوح اجتماعی بین مردم ما طرفدار داشته است و در کافه‌ها و گذرها و مهمانی‌های اعیان و اشراف و حتی طبقه متوسط نیز دسته‌جات مطرب یک میان پرده خوان داشته‌اند و شاهد بودیم که کم‌کم انتقال صحنه‌های نمایش به یک مهمانی و مخلوط کردن چند بازیگر در یک نفر در یک اجرای کوچک تر نقش سپاه را در میان پرده‌های نمایشی ما در تهران قدیم به وجود آورد.

گروه فرهنگ و هنر - علیرضا امینی پژوهشگر و نوازنده موسیقی ایرانی از به سرانجام رسیدن پروژه ثبت ملی «طنز خوانی با موسیقی اصیل ایرانی در فهرست میراث فرهنگی ناملموس» خبر داد و گفت: این پروژه پژوهشی و اجرایی را توانستم بعد از یک تلاش بیست ساله برای ثبت ملی در فهرست میراث فرهنگی ناملموس به سرانجام برسانم.

وی افزود: خوشبختانه با پیگیری‌های مداوم می‌توانیم که در این زمینه انجام گرفت، پرونده ثبت برای اعضای نهایی به دست وزیر میراث فرهنگی رسیده است.

علیرضا امینی همچنین در یادداشتی به تشریح اهمیت «ثبت ملی طنزخوانی با موسیقی اصیل ایرانی در فهرست میراث فرهنگی» پرداخته است. مشروح این یادداشت را در ادامه می‌خوانید.

در نخستین تعاملات جوامع بشری از بدوی تا مدرن ابزار احساسات فرد در مقابل جامعه‌اش با بیان ابزارهای آوایی و صوتی آغاز می‌شود و در تکامل، این بروز حس برای ایجاد همدردی و تجانس با مخاطب شاعرانگی متلور می‌گردد و نوع خاصی از آثار صوتی در قالب خناوش اشعاری مشخص تبدیل به گنجینه‌ای از میراث قومی و بشری می‌شود که اساس و پایه پژوهش‌های موسیقی بوم شناسان با اتنوموزیکولوژیست‌ها خواهد بود.

گرياندن مردم برای یادآوری غم یا دردی خاص در طول تاریخ هر قوم محدود به مراسم و مناسکی خاص شده است که از روز فوت یا سالگردها شروع می‌شود و به یادبود فقدان اسطوره‌ها منتج می‌گردد و هرگز کسی که مخاطب را می‌گریاند متخصص یا هنرمند یا شومن نام نمی‌گیرد، ولی خندانان مردم در یک قوم یا قبیله یا طایفه در هر گردهمایی از پیش تعیین شده یا تعیین نشده مثل معرکه‌گیری‌ها یا استندآپ کمدی‌ها و یا دورهمی‌های خانوادگی همیشه یک هنر محسوب شده است و چه بسیار خانواده‌هایی که در سفرها یا دورهمی‌هایشان به هم تاکید می‌کنند که فلان عمو یا فلان دایی باشد که خوش می‌گذرد.

در ایران از گذشته که ما مردمان ساده‌زیست بودیم با کوچک‌ترین

## جلسه آموزش رنت کاران جزیره کیش



عکس: جعفر همافر

